

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۹۱

ورزشی

یادداشت

تکرار یک قصه قدیمی: از عیسی تا ماشا

رابط با توهم؟

هنوز سوت آغاز لیگ بیست‌وپنجم به صدا در نیامده اما حاشیه‌هایش پیش‌دستی کرده‌اند. استقلال که در هفته نخست باید به تبریز برود و به فاصله کوتاهی دوباره مقابل تراکتور (مدافع عنوان قهرمانی) باشد، این روزها با زخمی تازه یا به میدان می‌گذارد؛ زخمی که اسمش جلال‌الدین ماشاریوف است. هافبک اربک که قرار بود امسال یکی از مهرهای کلیدی سایپنتو باشد فعلاً روی نیمکت فیزیوتراپی نشسته و داستان مصدومیتش شبیه یک پرونده جنایی پر از روایت‌های متناقض شده است.

■ **اردویی که روی کاغذ خوب بود**

برنامه استقلال برای آمادسازی، ابتدا سفر به هلند بود اما شعلور شدن جنگی کوتاه و غافلگیر کننده، همه چیز را بر هم زد. مقصد بعد تر کیه شد جایی که قرار بود همه چیز آرام و طبق برنامه پیش برود اما در همان روزهای نخست، اردوی آبی‌ها طعم تلخی گرفت؛ رستم آشورماف و ماشاریوف، هر دو در تمرینات مصدوم شدند. درباره آشورماف، گزارش‌ها یکصدا بود اما وقتی نوبت به ماشاریوف رسید، روایت‌ها به ۳ شاخه مختلف انشعاب یافت.

■ **ابهایی که هر روز پررنگ‌تر شد**

ابتدا خبر رسید رابط صلیبی او آسیب دیده و احتمالاً ماه‌ها از میادین دور خواهد بود. کمی بعد باشگاه این خبر را رد کرد و گفت موضوع نیاز به بررسی بیشتر دارد. خود بازیکن هم تلاش کرد از پرسچسپ «پارگی رابط» فاصله بگیرد و بیشتر روی «مصدومیت جدی اما نه از قدرها» تأکید کرد. آخرین موضع رسمی باشگاه هم این بود که او ظرف ۲ ماه آینده به میادین بازمی‌گردد اما شواهد و ششیده‌ها خبر از داستان دیگری می‌دهد.

■ **نسخه آشنه! این بار با طعم ازبکستانی**

آنهايي که حافظه فوتبالی‌شان قوی است، به یاد ماجرای عیسی آل‌کنیر در پرسپولیس می‌افتند؛ همان سناریویی که پزشک تیم تشخیص پارگی رابط داد اما بازیکن با مراجعه به چند پزشک دیگر – و گرفتن جواب‌های آمی‌دورا – کنده – جراحی را عقب‌انداخت؛ نتیجه چه شد؟ چند ماه وقت‌کشی، تشدید آسیب و در نهایت بازگشت به نقطه اول: اتاق عمل. حالا ماشاریوف هم در همان پیچ تاریخی ایستاده است، بخشی از تیم پزشکی به او گفته‌اند جراحی اجتناب‌ناپذیر است اما او بسا تکیه بر نظر یکی دو پزشک – که اتفاقاً هموطنش هستند – ترجیح داده فعلاً قید تیغ جراح را بزند.

■ **دیوار سکوت در استقلال**

سایپنتو به نظم و کنترل شدید در تیمش اعتقاد دارد. همین باعث شده پزشک باشگاه در این پرونده لب به شفاف‌سازی باز نکند. هر چه هست، یا از رسانه‌های غیررسمی شنیده می‌شود یا از دهان دوستان نزدیک بازیکن. این فضای مهیم، نه‌تنها به بهبود شرایط کمک نمی‌کند، بلکه خطر تکرار سناریوی آل‌کنیر را جدی‌تر می‌کند. اگر واقعاً رابط آسیب دیده باشد، هر روز تأخیر یعنی یک قدم بیشتر به سمت پیچیدگی درمان.

■ **بازی بزرگ، غایب بزرگ**

استقلال باید در هفته اول به مصاف تراکتور برود؛ تیمی که همین چند روز پیش در سوپر جام، آبی‌ها را زمینگیر کرد. سایپنتو بجویی می‌داند غیبت ماشاریوف در چنین مسابقه‌ای یعنی از دست دادن بخشی از خلاقیّت خط میانی. این خلأ فشار بیشتری روی سایر هافبک‌های هجومی می‌گذارد. با این حال، سرمربی پرتغالی ترجیح می‌دهد به جای جنگنال، سکوت کند و منتظر بماند تا تکلیف مصدومیت بازیکنش روشن شود.

■ **چرا کسی مسؤولیت نمی‌پذیرد؟**

پرسش بزرگ این است: چرا در چنین پرونده‌هایی هیچ‌کس مسؤولیت نهایی را برعهده نمی‌گیرد؟ باشگاه از اعلام دقیق وضعیت‌طرفه می‌رود، بازیکن به دنبال نظریه‌ای متفاوت است، کادر پزشکی هم در هاله‌ای از احتیاط و سکوت عمل می‌کند. نتیجه این می‌شود که هوادار – که سرمایه اصلی باشگاه است – در تاریکی مطلق باقی بماند و شایعه، جای واقعیت را بگیرد.

■ **خطر تکرار اشتباه**

تجربه‌های مشابه در فوتبال ایران نشان داده انکار واقعیت مصدومیت‌های جدی، تنها باعث طولانی‌تر شدن دوران غیبت می‌شود. آل‌کنیر یک نمونه واضح است؛ بازیکنی که می‌توانست بعد از یک جراحی به موقع، زودتر برگردد اما با تأخیر در تصمیم‌گیری، یک سال کامل را از دست داد. اگر ماشاریوف هم همین مسیر را برود، استقلال نه‌تنها در شروع لیگ، بلکه در بخش مهمی از فصل باید بدون یکی از مهره‌های فنی‌اش ادامه دهد.

■ **بازی با زمان، بازی با فصل**

در فوتبالی حرفه‌ای، گاهی تصمیم‌گیری سریع بین «حضور کوتاه‌مدت با ریسک بالا» و «دوران نقاهت طولانی اما تضمینی» سرنوشت تیم را تعیین می‌کند. امروز، پرونده ماشاریوف به نقطه‌ای رسیده که هر روز تعلل، شانس بازگشت مؤثر او را کمتر می‌کند. اگر واقعاً رابطش پاره شده، این وقت‌کشی فقط به نفع رقبای استقلال تمام می‌شود.

خبر

سکوهای خونین؛ حمله هواداران مکابی به طرفداران فلسطین

تماشاگران مکابی تل آویو بار دیگر با رفتارهای خشونت‌آمیز و نژادپرستانه خیرساز شدند. در دیدار این تیم مقابل هامرون مالت، هواداران مکابی به تماشاگران حامی فلسطین حمله کرده و آنها را به دلیل سر دادن شعار «فلسطین، فلسطین» مورد ضرب‌وجرح قرار دادند. هواداران فوتبال اسرائیل از خشن‌ترین و نژادپرست‌ترین تماشاگران جهان محسوب می‌شوند. این اتفاق مسبوق به سابقه است؛ سال گذشته نیز پیش از دیدار با المپیکو، طرفداران مکابی در خیابان‌های آن یک هوادار را به دلیل حمایت از فلسطین به شدت مجروح کردند. سایت انگلیسی LetsStop گزارش داد بخش زیادی از این هواداران، سربازان ارتش صهیونیستی هستند که با پوشش تماشاکر فوتبال به کشورهای مختلف سفر کرده و خشونت می‌آفرینند. این گروه بارها شعارهایی چون «هرگ بر اعراب» و «هرگ بر فلسطین» سر داده‌اند، بدون آنکه با محرومیت یا جریمه‌ای روبه‌رو شوند.

آمار حیرت‌انگیز جابه‌جایی مدیران باشگاه استقلال

سندروم سندکی‌بی‌قرار

کندا! چنین شرایطی برای هر مربی یک کابوس تمام‌عیار است؛

چه برسد به تیمی که برای قهرمانی می‌جنگد.

■ **شروع بی‌امان تغییرات در فصل نگونام**

۲ سال پیش، جواد نگونام به عنوان سرمربی جدید معرفی شد اما قبل از آنکه مسابقات، پایان یابد، علی خطیر کنار رفت و جای خود را به هاشم سمیعی داد. اختلافات و تصمیمات عجیب، صدرنشینی استقلال را بر باد داد و یک جام دیگر هم پر زد. سمیعی فصل را آغاز کرد ولی نیمه‌راه جای خود را به نظری جویباری داد. نظری جویباری هم نتوانست بیش از ۷ ماه دوام بیاورد و حالا نوبت به تاجرنیا رسیده است؛ مردی که معلوم نیست تا کی در این پست ماندگار خواهد بود.

■ **سؤال اصلی: چرا این چرخه تمام نمی‌شود؟!**

وقتی به کارنامه ۶ سال اخیر نگاه می‌کنیم، بیش از یک تیم ۱۱ نفره فقط در بخش مدیران نفر داشتیم! پرسش این است: آیا واقعاً این تغییرات نتیجه اختلافات شخصی و سیاسی است یا ساختار باشگاه به قدری فرسوده شده که هیچ مدیری توان ماندن ندارد؟

تاجرنیا، به عنوان رئیس هیات مدیره و سرپرست فعلی، هنوز نتوانسته یک تغییر بنیادی را عملی کند. برخی می‌گویند دامنه اختیاراتش محدود است و تصمیم‌های کلان جای دیگری گرفته می‌شود. بعضی هم معتقدند مساله ریشهای‌تر از این حرف‌هاست؛ بحران‌های مالی، فشار هواداران، بی‌اعتمادی به مدیران و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت، همه دست به دست هم داده تا استقلال در یک تله دائم گرفتار شود.

■ **تأثیر مستقیم‌بر نتایج**

شاید عده‌ای این رفت‌وآمدها را بی‌اهمیت بدانند اما در فوتبال حرفه‌ای، ثبات مدیریت یکی از ارکان موفقیت است. تیمی که هر چند ماه یک نفر جدید را بالای سر خود می‌پیند، نمی‌تواند نقشه بلندمدت بکشد. قرار دادهای نیمه‌کاره می‌ماند. ملاکرات طولانی می‌شود و حتی اعتماد بازیکنان به آینده تیم سست می‌شود. نمونه‌اش در همین سال‌ها بارها دیده شده؛ از دست رفتن مربیان تا سوختن فرصت‌های نقل‌وانتقالاتی، یا حتی عدم توان در حفظ ستاره‌ها. استقلال نه‌تنها در داخل زمین، بلکه در اتاق مدیریت هم حرفانش را جلوتر از خود می‌بیند.

■ **هوادار خسته، تیم بی‌تمرکز**

برای هواداری که هر روز اخبار باشگاه را دنبال می‌کند، این حجم از تغییرات مثل یک سریال بی‌پایان است؛ با این تفاوت که هر قسمت نه اوج دارد و نه فرو، فقط آدم‌هایش عوض می‌شوند.



هنوز لیگ بیست‌وپنجم سوت نخورده اما همان قصه قدیمی دوباره سر باز کرده؛ تغییرات مدیریتی در همان هفته‌های پیش از شروع مسابقات.

این بار، رفتن علی نظری جویباری و نشستن علی تاجرنیا دیگر پادمان انداخت آبی‌ها به جای ساختن یک مسیر پائیات، سال‌هاست در چرخه‌ای تکراری از آمد و شد غرق شده‌اند؛ چرخه‌ای که از جدایی پر حاشیه آندره‌آ استراماچونی در فصل ۹۸ شروع شد و تا امروز، نفسگیر ادامه دارد.

■ **فصل پرلنهایت بعد از استرا**

وقتی مربی ایتالیایی نیمکت‌را ترک کرد، کسی تصور نمی‌کرد بحران فقط در خط فنی نماند و به اتاق مدیرعامل هم سرایت کند اما واقعیت این بود که از همان پاییز ۹۸ تا پایان فصل، ۴ نفر مختلف‌سکان مدیریت را به‌دست گرفتند؛ اول امیرحسین فتحی که خیلی زود کنار رفت، بعد اسماعیل خلیل‌زاده که به عنوان سرپرست موقت آمد پس از او علی فتح‌الله‌زاده برای مدت کوتاهی روی صندلی نشست و نهایتاً احمد سعادتمند فصل را پایان برد. این جابه‌جایی‌های سریع فقط محدود به همان سال نبود اما فصل بعد هم اوضاع بهتر نشد. سعادتمند ابتدای کار بود اما نیم‌فصل نرسیده، جای خود را به احمد مددی داد. این یعنی در کمتر از ۳ سال، استقلال‌ی ۶ بار مهر «مدیرعامل» را روی اسامی مختلف کوبیدند.

■ **یک سال آرام، بقیه فوفانی**

میان این آشفتگی‌ها، فقط یک استثنا وجود داشت؛ مصطفی آجرلو. با حضور او در رأس باشگاه، استقلال بعد از سال‌ها توانست بدون شکست قهرمان لیگ برتر شود. هواداران امیدوار بودند این آرامش ادامه پیدا کند اما دوران آجرلو هم تنها یک فصل دوام داشت.

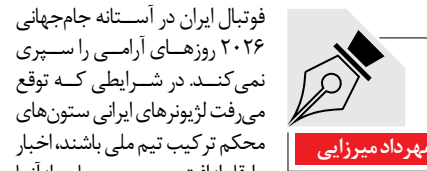
فصل ۱۰۰۲-۱۴۰۱ دوباره همه چیز از نو شروع شد. آجرلو همراه کنار رفت، علی فتح‌الله‌زاده برگشت اما فروردین سال بعد، جایاش را به سیدحجت کریمی داد. ریکاردو ساپینتو که در این فصل سرمربی تیم بود، ناچار شد با ۵ مدیرعامل مختلف کار

لیگ بیست‌وپنجم در آستانه آغاز است اما ۱۰ خرید جدید پرسپولیس پشت در اتاق ثبت قرارداد مانده‌اند و فدراسیون هم با آرامش عجیبی، مهر «عدم تأیید» را پای لیست سرخ‌ها زده است.

باشگاه طبق اعلام رسمی سخنگوش مصطفی لشکری، تا این لحظه نتوانسته حتی یک برگ از قراردادهای تازه‌وردهایش را به ثبت برساند؛ بهانه هم همان محدودیت سقف بودجه است که گویا برای بعضی تیم‌ها «خط قرمز» است و برای بعضی دیگر «یک شوخی بی‌ضرر».

■ **اسامی پشت خط**

نام‌هایی که در صف انتظار نشسته‌اند، فقط پرکننده لیست نیستند؛ نیمه‌نگاهی به فهرست، یعنی دیدن قلب ترکیب ایده‌آل وحید هاشمیان:



فوتبال ایران در آستانه جام‌جهانی ۲۰۲۶ روزه‌های آرامی را سپری نمی‌کند. در شرایطی که توقع می‌رفت لژیونرهای ایرانی ستون‌های می‌رفت ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ باشند، اخبار وراقام از افت‌محسوس بسیاری از آنها حکایت دارد. مصدومیت‌های پیاپی، نیمکت‌نشینی‌های طولانی و شرایط مهیم قرارداد، سایه‌ای سنگین بر آینده ملی‌پوشان شاغل در خارج از کشور انداخته است؛ آینده‌ای که می‌تواند نقشه راه تیم ملی در مسیر جام‌جهانی را دستخوش تغییرات جدی کند.

■ **صیادمنش؛ مسیر لغزنده یک مهاجم جوان**

انتقال پرسر و صدای اللهیار صیادمنش از هال سیتی انگلیس به وست‌هم بلژیک قرار بود مسکری ورتاب او به سطح بالاتری از فوتبال اروپا باشد اما فصل پر نوسان و انتقادات تند رسانه‌های بلژیکی – از جمله Het Nieuwsblad که سرعت تصمیم‌گیری پایین و ناهماهنگی او با سبک تهاجمی تیم را زیر سوال برد – باعث شده آینده‌اش مبهم شود. اگر این مهاجم جوان در همین فصل نتواند ثبات پیدا کند، خطر سقوط به لیگ‌های کم‌اعتبارتر و حتی از دست دادن صندلی‌اش در جام‌جهانی کاملاً واقعی است.

قرعه‌کشی لیگ سطح ۲ نخبگان آسیا (ACL Two) یا همان لیگ آسیا، تصویری تازه از آینده نمایندگان ایران در این رقابت‌ها ترسیم کرده؛ جایی که استقلال و سپاهان با سرنوشت‌هایی متفاوت

با به این مسیر خواهند گذاشت.

صبح جمعه در کوآلامپور، گوی‌ها یکی‌یکی از گلدان‌ها بیرون آمد و جدول گروه‌ها شکل گرفت. استقلال در گروه اول منطقه غرب قرار گرفت؛ جایی که الوصل امارات، المهرق بحرین و الوحدات اردن در انتظارش هستند؛ گروهی که هم از نظر مسافت پروازی و هم از حیث دشواری رقیب، می‌تواند به عنوان قرعه‌ای متعادل برای آبی‌های تهران توصیف شود. سفرهای کوتاه‌تر و آشنایی نسبی با سبک بازی این تیم‌ها، برگ برنده‌ای است که شاید کار شاگردان سایپنتو را برای عبور از مرحله گروهی آسان کند.

در سوی دیگر، سپاهان به عنوان سرگروه در گروه سوم جا گرفت؛ حریفی از اردن به نام الحسین، تیمی ریشه‌دار از هند یعنی موهان باگان و آخال ترکمنستان، ۳ مانع پیش‌روی شاگردان نویدکپا هستند. روی کاغذ، شاید این گروه هم آسان به نظر برسد اما جایگاه‌ها متعادل‌برای آبی‌های تهران توصیف شود. برگ برنده‌ای است که شاید کار شاگردان سایپنتو را برای عبور از مرحله گروهی آسان کند.

طبق فرمت این فصل – که هر چند AFC هنوز رسماً تأیید نکرده اما انتظار می‌رود همان الگوی گذشته باشد – ۳۲ تیم در ۲ بخش شرق و غرب تقسیم می‌شوند، هر بخش شامل

همین بی‌ثباتی باعث‌شده استقلال، حتی وقتی داخل‌زمین خوب کار می‌کند، در نهایت جام را از دست بدهد. مشکل آنجاست که مدیریت یک باشگاه فوتبال مثل تعویض پیراهن نیست که با هر بار تغییر، همه چیز تازه شود. برعکس، هر جابه‌جایی یعنی از دست رفتن تمرکز، انرژی و سرمایه.

■ **چه باید کرد؟**

راحتل روشن است اما اجرای آن آسان نیست؛ باید مدیرانی با اختیار کفل و برنامه بلندمدت سر کار بیایند. تا وقتی مدیرعامل مثل مسافر کوتاه‌مدتی است که فقط برای چند ایستگاه سوار قطار شده، همین اش است و همین کاسه.

استقلال باید به جای واکنش‌های لحظه‌ای، به ساختار مدیریتی‌اش یک بازنگری کامل بدهد. این یعنی تعریف دقیق

معضل سقف بودجه

پرسپولیس در آستانه بحران آغاز فصل

■ **ضربه به نقشه‌های کادر فنی**
پرسپولیس طبق برنامه‌ریزی حتی قرار بود تا قبل از شروع فصل ۲ خرید دیگر انجام دهد اما حالا نه تنها جذب تازه‌ها در ابهام است، بلکه ثبت قرارداد همین ۱۰ چهره هم قفل شده. ادامه این وضعیت یعنی آغاز لیگ با ترکیب واصله‌پهنای، آن هم برای تیمی که از روز اول باید در کورس قهرمانی باشد.



سیدپیم نیازمند، حسین ابرقویی، سرژ اوریه، مارکو باکیچ، رضا شکاری، محمد عمری، امین کاظمیان، محمدحسین صادقی، تیوی بیفوما و مجتبی فخریان.

از این جمیع، حداقل ۵ نفر قرار بود هفته اول لباس فیکس بپوشند.

حالا تصور کنید لیگ شروع شود و هاشمیان مجبور باشد با نیم‌تیم وارد زمین شود.

چالش بزرگ پیش روی تیم ملی

زنگ خطر لژیونرها

در اروپا محسوب می‌شود. بازگشت به شرایط مسابقه برای او حیاتی است، بویژه در سالی که تیم ملی به تجربه و تکنیکش نیاز مبرم دارد.

■ **جهانبخش؛ مقصد نامعلوم در روزهای پایانی**

پایان همکاری با هیرتفین، یک مصدومیت جدی و آینده‌ای که هنوز روشن نشده؛ این خلاصه حال و روز کاپیتان تیم ملی است. وینگری که ۹۲ بازی ملی در کارنامه دارد، حالا بین چند پیشنهاد مردد است و آپولون قبرس جدی‌ترین گزینه‌اش به نظر می‌رسد. سال گذشته ماندنش در هلند به دلیل مسائل مربوط به دریافت گذرنامه بود اما این بار او به دنبال چالشی تازه و شاید آخرین فرصت برای درخشش در سطح باشگاهی است.

■ **طارمی؛ میان تجربه و تغییر مسیر**

مهدی طارمی فصل قبل تنها ۳ گل زد اما با ۹ پاس گل، نقش



فهرست شلوغ صندلی‌نشین‌های آبی

سیدحجت کریمی – فروردین تا تیر ۱۴۰۲
علی خطیر – تیر ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ۱۴۰۳
هاشم سمیعی – اردیبهشت تا دی ۱۴۰۳
علی نظری جویباری – دی ۱۴۰۳ تا مرداد ۱۴۰۴
علی تاجرنیا – از مرداد ۱۴۰۴ تا؟!
تأمل برانگیزتر این است که بعضی نام‌ها چند بار تکرار شده‌اند و هر بار هم با سبک و رویکردی متفاوت از دفعه قبل برگشته‌اند. این یعنی نه تنها تداوم در مدیریت وجود ندارد، بلکه سیاست‌ها هم مرتب زیر و رو می‌شود.

وظایف، جلوگیری از دخالت‌های بیرونی و مهم‌تر از همه، دادن زمان کافی به مدیر برای پیاده کردن برنامه‌هایش.

■ **پایان یک چرخه؟**

حالا همه نگاه‌ها به تاجرنیاست. او یا می‌تواند نامش را به عنوان مدیری ثبت کند که این چرخه را می‌شکند یا به فهرست بلندبالای پیشینیان اضافه می‌شود. تجربه سال‌های اخیر نشان داده ماندگاری در این صندلی کار هر کسی نیست. اگر او هم نتواند اعتماد هواداران و حمایت تصمیم‌گیران را همزمان جلب کند، خیلی زود شاهد یک اسم تازه در دفتر باشگاه خواهیم بود. استقلال بیش از هر زمان دیگری نیاز به آرامش دارد؛ آرامشی که از دفتر مدیرعامل شروع می‌شود و به رختکن می‌رسد. بدون آن، حتی بهترین مربیان و ستاره‌ها هم نمی‌توانند کاری از پیش برند.

استاندارد دوگانه؟

همین امروز اگر به لیست استقلال، سپاهان یا تراکتور نگاه کنید، بعید است دغدغه‌ای به اسم سقف بودجه یا قانون ۳۰ درصد حتی از دور به آنها نزدیک شده باشد اما برای پرسپولیس، این خطوط قرمز با جدیت و بی‌چشم‌پوشی اجرا می‌شود؛ اتفاقی که هواداران را دوباره به همان پرسش قدیمی می‌رساند: چرا قانون همیشه یکسان اجرا نمی‌شود؟

■ **شمارش معکوس**

۲ روز بیشتر تا آغاز لیگ نمانده. یا مدیران باشگاه باید در این فاصله کوتاه قفل فدراسیون را بشکنند یا سرخ‌ها باید با غیبت چند ستاره حیاتی وارد هفته اول شوند. هر ۲ سناریو روی میز است اما یک چیز قطعی به نظر می‌رسد: لیگ بیست‌وپنجم برای پرسپولیس از همان روز اول با جنگ آغاز می‌شود، نه فوتبال.

یک بازیساز را پررنگ‌تر از همیشه ایفا کرد. او همچنان مشتریانی در لیگ‌های بزرگ دارد ولی ذر یونایتد جدی‌ترین مقصد احتمالی‌اش عنوان می‌شود. طارمی تنها لژیونر ایرانی است که با وجود اذقت نسبی آمار گلزنی، همچنان در بازار نقل‌وانتقالات اروپا خواهان دارد و این برای تیم ملی یک امتیاز بزرگ محسوب می‌شود.

■ **دیگر نام‌های امیدوار**

چهره‌هایی مانند محمدمهدی زارع در احمد گروزنی، محمدجواد حسین‌نژاد در دینامو مازخاق‌له و سیدمجید حسینی و علی کریمی در کاسری‌اسپور، شاید در صدر اخبار نباشند اما همه آنها با انگیزه در سال جام‌جهانی می‌جنگند تا نگاه کادر فنی را به خود جلب کنند. عملکرد این بازیکنان در ماه‌های آینده می‌تواند برگ برنده تکمیل فهرست تیم ملی باشد.

■ **تصویر نگار کننده**

با کنار هم گذاشتن شرایط فعلی، مشخص است تیم ملی ایران نمی‌تواند روی فرم ایده‌آل اکثر لژیونرهایش حساب ویژه‌ای باز کند. فاصله تا جام‌جهانی کوتاه است و هر هفته نیمکت‌نشینی یا مصدومیت، یک گام تیم ملی را از هدف دورتر می‌کند. چالش واقعی در این مقطع، نه‌تنها بازگرداندن این بازیکنان به شرایط بدنی و ذهنی مطلوب، بلکه اطمینان از حضورشان در تیم‌هایی است که فرصت بازی مداوم به آنها می‌دهند.

نهایی بسیار بالاست. این یعنی طلایی‌پوشان اسفهان‌ی، مسیر سخت‌تری نسبت به استقلال برای رسیدن به مراحل پایانی خواهند داشت و شاید ناچار باشند خیلی زود مقابل ستاره‌ای مثل رستینانو رونالدو صف‌آرایی کنند.

آغاز این رقابت‌ها برای ۲۵ و ۲۶ شهریور برنامه‌ریزی شده و مرحله گروهی تا سوم دی ادامه خواهد داشت. این یازه فشرده، نه‌تنها آزمونی برای کیفیت فنی تیم‌ها، بلکه محک جدی برای مدیریت سفرها، بازیابی بدنی و تحلیل دقیق رقباست. در چنین شرایطی، هر اشتباه بدنی – از غفلت تاکتیکی تا خطای فردی – می‌تواند به قیمت از دست رفتن بلیت مرحله بعد تمام شود.

قرعه در حقیقت بیش از آنکه فقط نام حریفان را روشن کرده باشد، تصویری کلی از مارا نته که پیش روی ۲ نماینده ایران است ارائه کرد. استقلال می‌تواند با برنامه‌ای منظم و حفظ تمرکز، از مسیر هموارتر خود نهایت استفاده را ببرد. سپاهان هم اگر می‌خواهد از سد موانع بزرگ عبور کند، باید از همین امروز خود را برای دیدارهایی سرنوشت‌ساز آماده کند؛ دیدارهایی که ممکن است برابر یکی از پرستاره‌ترین تیم‌های قاره برگزار شود.

اکنون همه نگاه‌ها به نیمه دوم شهریور دوخته شده است؛ جایی که سوت آغاز مرحله گروهی به صدا درمی‌آید و رقابت، شکل واقعی خود را پیدا می‌کند. برای استقلال و سپاهان، این نه‌فقط نبردی برای صعود که آزمونی برای نمایش توان مدیریت فشر، عبور از حاشیه‌ها و تحقق رؤیای حضور در سکوهای فوتبال باشگاهی آسیاست.



نه‌چندان پرهیاهو، خود را به جمع ۴ تیم برتر غرب برساند. اما داستان برای سپاهان طور دیگری رقم خورده است. همسایگی گروه C با گروه النصر، معادلات را پیچیده می‌کند. اگر سپاهان و تیم سعودی در دو به عنوان اول یا دوم گروه‌های A و B در یک طرف جدول حذفی قرار می‌گیرند و گروه‌های C و D در سوی دیگر، این یعنی استقلال در صورت صعود، تا نیمه‌نهایی با سپاهان با النصر عربستان روبه‌رو نخواهد شد؛ فرصتی که می‌تواند به این تیم امکان دهد با عبور از رقبایی